شباهت های عجیب جنایت های سعودی ها و صهیونیست ها

اسرائیل و عربستان؛ یک روح در دو بدن

محمدرضا مرادی

اشاره

تجاوز وحشیانه عربستان به یمن که از روز ششم فروردین ماه شروع شد در دهه های اخیر در نوع خود مثال زدنی است. سعودی‌ها در این حملات از هیچ وسیله و ابزاری برای سرکوب مردم یمن دریغ نکرده اند. بیش از سه هزار نفر از مردم یمن قربانی این حملات شده‌اند و آثار و پیامدهای زیان بار این جنگ مطمئنا تا سال ها بعد در یمن باقی خواهد ماند. شدت وحشی گری سعودی ها در یمن به حدی است که این رژیم تحت فشار افکار عمومی و برخی دیگر از عوامل سه شنبه شب یکم اردیبهشت به صورت یکجانبه اعلام آتش بس کرد. البته این آتش بس چند ساعت بیشتر دوام نیاورد و حملات سعودی‌ها مجددا به یمن از سرگرفته شد که تاکنون نیز ادامه دارد. این تجاوز را می توان از ابعاد مختلفی بررسی کرد اما در این نوشتار تطبیق جنایت های سعودی‌ها در یمن با جنایت های رژیم صهیونیستی در غزه خواهیم پرداخت.

رهبر معظم انقلاب نیز در دیداری که اخیرا با جمعی از مداحان سراسر کشور داشتند به مشابهت های گسترده حمله سعودی ها به یمن و تجاوز صهیونیست ها به غزه اشاره کرده و فرمودند: «سعودی‌ها بدعت بدی گذاشتند در این منطقه و البتّه خطا کردند، اشتباه کردند. کاری که امروز دولت سعودی در یمن دارد انجام می دهد، عیناً همان کاری است که صهیونیست‌ها در غزّه انجام دادند.» (۲۰ فروردین)

در اینجا برخی از شباهت های سعودی ها و صهیونیست ها در ارتکاب جنایت هایشان ذکر می شود.

نسل کشی و کودک کشی

رژیم سعودی در بیست و هفتمین روز ازتجاوز به یمن مرتکب جنایت‌های زیادی شده است. در این حملات تعداد شهدای یمن از مرز دو هزار و ۶۰۰ نفر نیز گذشته و ۱۵۰ هزار نفر هم بی خانمان شده اند و بیش از ۵ میلیون نفر نیازمند کمک های فوری و اولیه هستند. علاوه بر این بیش از چهار هزار نفر هم تا کنون زخمی شده اند. بر اساس آخرین آمارها که توسط رئیس مرکز ملی نظارت و شفاف سازی یمن منتشر شده است بیشتر از ۴۰۰ تن از این قربانیان کودک و ۲۵۵ نفر دیگر زن هستند که این امر دلیل آشکاری بر این مسئله است که عربستان همانند رژیم صهیونیستی یک نسل کشی و کودک کشی تمام عیار را آغاز نموده است. رژیم صهیونیستی نیز، در جنگ ۵۱ روزه غزه ۲۲۳۰

***

*** علاوه بر نسل کشی و کشتار کودکان بی گناه، هدف قرار دادن زیرساخت ها نیز یکی از وجوه تشابه حمله عربستان به یمن با تجاوز های اسرائیل به غزه است. حداقل یک هزار و ۲۰۰ ساختمان و مرکز دولتی هدف حملات هوایی ائتلاف سعودی قرار گرفته است.**

***

فلسطینی را شهید کرد، که ۵۷۸ نفر از آنها کودک بودند. با توجه به مدت زمانی که دو طرف در آن مرتکب جنایت شده اند(عربستان۲۷ روز- رژیم صهیونیستی۵۱ روز) می توان به این نتیجه رسید که رژیم آل سعود در نسل کشی و کودک کشی از صهیونیست ها سبقت گرفته و می تازد...

پیش بینی می شود اگر این تناسب به همین صورت حفظ شود و جنگ عربستان علیه یمن نیز ۵۱ روز ادامه یابد، آل‌سعود تقریبا دو برابر صهیونیست‌ها، غیرنظامیان و کودکان و زنان بی‌گناه را به شهادت برساند. این حملات علاوه بر این که شهروندان غیر نظامی یمن را نشانه رفته است آشکارا قواعد حقوق بین الملل را زیر پا گذاشته است. در این راستا دیده بان جهانی حقوق بشر با صدور بیانیه ای از به کارگیری بمب‌های خوشه ای توسط جنگنده های سعودی در یمن پرده برداشت و آن را جنایت خواند. رژیم اشغالگر قدس نیز بارها از بمب خوشه ای و سلاح‌ها و بمب های فسفری به غزه حمله کرده است. استفاده از این بمب ها بیشترین زیان را به کودکان این مناطف رسانده است.

*** تجاوز عربستان به یمن از آنجا که منافع اسرائیل را تامین می کند، از همان ابتدا به طرق مختلف از جانب صهیونیست ها مورد حمایت قرار گرفت.**

***

روزنامه صهیونیستی «یدیعوت آحارونت» در این خصوص اعلام کرد که دخالت عربستان در یمن «خبر شادی بخش» برای این رژیم است.

***

نابودی زیر ساخت ها

علاوه بر نسل کشی و کشتار کودکان بی گناه، هدف قرار دادن زیرساخت ها نیز یکی از وجوه تشابه حمله عربستان به یمن با تجاوزهای اسرائیل به غزه است. حمله سعودی ها به یمن تنها به مراکز نظامی و یا نقاطی که انصار الله بر آن ها مسلط است محدود نشده است. سعودی ها به صورت آشکارا و هدفمند برخی از زیر ساخت های یمن را تاکنون هدف قرار داده اند. رئیس مرکز ملی نظارت و شفاف سازی یمن «فتحی السقاف» درباره حمله به تاسیسات زیربنایی و اماکن دولتی اعلام کرد:»حداقل یک هزار و ۲۰۰ ساختمان و مرکز دولتی هدف حملات هوایی ائتلاف سعودی قرار گرفته و ۱۵۱ مرکز تجاری نیز به طور کامل ویران شده است. «تحلیلگران معتقدند که عربستان این اقدام را برای شکستن مقاومت انصارالله و مردم یمن انجام داده است.

یمن

غزه

عربستان مناطق مسکونی ، اردوگاه ها ، ساختمان ها ، بیمارستان ها، تاسیسات عمومی و خصوصی شامل بنادر ، فرودگاه ها و انبارهای اسلحه را نیز مورد هدف قرار می دهد.

رژیم صهیونیستی نیز در برابر مردم غزه درست به همین شیوه متوسل شد. اسرائیل در حملات اخیرش به غزه، تنها نیروگاه تولید برق این منطقه را هدف حملات خود قرار داد، نتیجه این اقدام، آسیب دیدن شبکه انتقال برق در غزه شد و ساعات دسترسی مردم غزه به برق را در روز به شدت کاهش داد. در زمان این جنگ و حتی مدت‌ها بعد از آن ۸۰ درصد مردم این منطقه با جمعیت یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفری، روزانه فقط چهار ساعت برق داشتند. مقامات فلسطینی می‌گویند بازسازی زیرساخت های ویران شده غزه و خانه های تخریب شده این منطقه حدود شش میلیارد دلار هزینه نیاز دارد .بنابراین نابودی زیر ساخت ها نیز یکی از وجوه تشابه جنایت های سعودی ها با صهیونیست‌ها است.

مقاومت

جدای از وجه اقدامات وحشیانه، مقاومت های مردمی در برابر تجاوزها نیز می تواند ملاکی برای مقایسه تطبیقی رفتار بازیگران باشد. مقاومت بی نظیر مردم غزه و مردم یمن نیز یکی دیگر از شباهت های «توفان

***

*** رژیم صهیونیستی در جنگ ۵۱ روزه ۵۷۸ کودک فلسطینی را به شهادت رساند در حالی که عربستان سعودی ۴۰۰ کودک یمنی را تنها در چهار هفته شهید کرده است.**

***

قساوتی» است که علیه آنها انجام گرفته است. یمنی ها در برابر تجاوز عربستان نه تنها تسلیم نشده اند بلکه با تشکیل «نیروهای مردمی» علیه این تجاوز ایستادگی کرده اند. یمنی‌ها از نظر سابقه تاریخی و مدنیت، خودشان را برتر از عربستان می‌دانند و معتقدند اساساً ریشه عربیت از یمن بوده و اگر قرار است ملتی تابع ملتی دیگر باشد شایسته است ملت عربستان تابع یمن شود نه اینکه یمن تابع عربستان باشد، این مسئله به شدت فضای داخل یمن را علیه عربستان تحریک کرده و به جنبش‌های اعتراضی علیه عربستان شکل داده و به موازات آن گروه های وابسته به عربستان نظیر جریان «اصلاح» و همین طور«خاندان الاحمر» را به‌شدت تضعیف کرده است تا جایی که طی ماه‌های گذشته انصارالله و گروه‌های هم‌پیمان آن بر بیشتر مناطق یمن حاکمیت پیدا کردند و آخرین ریشه‌ها و رگه‌های ارتباطی عربستان با یمن قطع شد. مردم غزه نیز در تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی نه تنها در برابر موشک‌های این رژیم تسلیم نشدند بلکه به صورت قهرمانانه ایستادگی کردند و در نهایت متجاوز را مجبور به آتش بس و اعتراف به شکست کردند.

محاصره شدید

یکی دیگر از اشتراکات یمن و غزه عدم اجازه ورود کمک های بشر دوستانه به این دو در خلال جنگ است. هم عربستان و هم رژیم صهیونیستی مانع از ورود کمک های بشر دوستانه به یمن و غزه می‌شوند. این کمک ها شده اند. حال آن که بر اساس قوانین حقوق بین‌الملل و حقوق مخاصمات مسلحانه، تمامی نهادهای کمک رسان باید اجازه ورود به منطقه جنگی و رساندن کمک های اولیه را داشته باشند. در این راستا حدود ۲۰ تن از محموله های غذایی و دارویی ایران به علت حمله جنگنده های سعودی اجازه ورود به یمن را نیافت. این در حالی است که وزارت بهداشت یمن اعلام کرده بود بیش از ۵ میلیون نفر از مردم این کشور در اثر این جنگ نیازمند فوری کمک های اولیه بهداشتی و غذایی هستند. در واقع اسرائیل و عربستان با تحت فشار قرار دادن مردم غزه و یمن سعی در تسلیم آنها را داشته و دارند.

نتیجه

تجاوز عربستان به یمن از آنجا که منافع اسرائیل را تامین می کند، از همان ابتدا به طرق مختلف از جانب صهیونیست ها مورد حمایت قرار گرفت. روزنامه صهیونیستی «یدیعوت آحارونت» در این خصوص اعلام کرد که دخالت عربستان در یمن «خبر شادی بخش» برای این رژیم است. این روزنامه همچنین نوشت: «مسئولان سعودی درمصاحبه هایی که با آنان انجام شده است، تاکید کرده اند که با تل آویو ضد محور مقاومت، سرنوشت مشترک دارند.» همچنین دیپلمات‌های آگاه به پایگاه خبری «المنار» فلسطین خبر دادند که «آل سعود از آغاز تجاوزش علیه یمن بر منابع اطلاعاتی گسترده‌ای تکیه کرده که از مهم‌ترین آنها مراکز اطلاعاتی رژیم صهیونیستی بوده است به نحوی که این جنگ حجم هم‌پیمانی ریاض و تل‌آویو را بیشتر روشن کرد.» المنار به نقل از منابع ذکر شده نوشت: «زیردریایی‌های اتمی تل‌آویو به حراست از سواحل سرزمین‌های اشغالی مشغولند همان‌گونه که جنگنده‌های جاسوسی ویژه جمع‌آوری اطلاعات و تجهیزات هشدار سریع صهیونیستی از زمان آغاز حمله به یمن سواحل عربستان را ترک نکردند.» این منابع مطلع افزودند: «چندین دهه است که

***

*** با توجه به مدت زمان حمله عربستان به یمن(۲۷ روز) و مقایسه آن با جنگ ۵۱ روزه رژیم صهیونیستی، در صورتی که تجاوز یمنی ها نیز به ۵۱ روز برسد می توان انتظار سبقت آل سعود در کودک کشی از صهیونیست ها را داشت.**

***

توافقی محرمانه میان اسرائیل و آل سعود در این باره وجود دارد و براساس این توافق سواحل عربستان برای اسرائیل باز است و جنگنده‌های اسرائیلی هر وقت می خواهند می‌توانند در آن به پرواز درآیند.» با توجه به این اطلاعات به خوبی می توان دلایل مشابهت زیاد بین جنایت های سعودی ها و صهیونیست ها را درک کرد.

در پایان باید بار دیگر به سخنان رهبر معظم انقلاب اشاره داشته باشیم که در همان آغاز حملات، شکست سعودی ها را پیش بینی نمودند. ایشان فرمودند: «سعودی‌ها در این مسئله خسارت خواهند کرد، ضرر خواهند کرد و به‌هیچ وجه پیروز نخواهند شد. دلیل خیلی واضحی دارد؛ دلیلش این است که توانایی های نظامی صهیونیست‌ها چندین برابر توانایی نظامی این سعودی‌های کذا و کذا [است]؛ چندین و چند برابر این ها، آن ها توانایی نظامی داشتند؛ طرف مقابل آنها هم غزّه‌ی یک وجبی بود. اینجا طرف مقابل یک کشور است، یک کشور ده‌ها میلیونی؛ یک ملّت، کشور پهناور و وسیع. اگر آنها توانستند در غزّه پیروز بشوند، اینها هم خواهند توانست در اینجا پیروز بشوند؛ البتّه اگر آن ها هم پیروز می شدند، باز پیروزی این ها احتمالش صفر بود؛ الان احتمالش زیر صفر است. این ها قطعاً ضربه خواهند خورد؛ قطعاً بینی سعودی‌ها به خاک مالیده خواهد شد.»

رئیس بسیج مردمی عراق در گفت و گو با خبرنگار اعزامی کیهان به عراق:

هیچ نیروی مردمی در جهان به پای بسیجیان ایران نمی‌رسد

اشاره

بارها تجربه ثابت کرده است که دشمنان انسانیت و بشریت در اشغالگری یا تجاوزوغصب حقوق ملت‌ها به ویژه مسلمانان، همیشه سه نکته مهم و اساسی را نادیده می‌گیرند؛ اول، هوشیاری وایمان مردم، دوم، قدرت بالا وخلق الساعه برای بسیج فوری برای دفاع از آرمان های خود، و سوم، قدرت بسیار بالا وغیر قابل تصور رهبران دینی به ویژه مرجعیت در مذهب شیعه.

«ابو فرقد» رئیس ستاد نیروهای مردمی سپاه بدر(بسیج) معتقد است، اگر نبود هوشیاری وغیرت جوانان ما در دفاع از سرزمین و ارزش‌های مقدس و اگر نبود فتوای جهاد مرجعیت و خروش به موقع جوانان به سوی جبهه‌ها، داعش با سرعتی که پیش می‌رفت ودر مسیر خود به کبیر و صغیر رحم نمی‌کرد و امروز بغداد را نیز اشغال کرده بود اگر نبود همت بزرگ در جسم‌های کوچک این جوانان، اکنون ملت عراق باید رژیمی بدتر از صدام به نام «داعش» را تجربه می‌کرد.

ابو فرقد با سن بالای ۵۰ سالش با حفظ سمت در ستاد جذب نیروهای مردمی، مسئولیت فرماندهی یکی از محورهای عملیاتی استان آزاد شده صلاح الدین در کنار نیروهای مردمی موسوم به «حشد الشعبی» را در جریان آزادسازی تکریت بر عهده داشت و اکنون با «هادی عامری» فرمانده کل سپاه بدر در حال بررسی عملیات آزادسازی کرکوک و موصل است.

او با اشاره به از خود گذشتگی جوانان عراقی در این عملیات بزرگ می‌گوید، باید به تاسی از فرمایش امام خمینی(ره) دست و بازوی این جوانان را بوسید، چرا که ما را در محضر بقیه الله الاعظم و مردم مظلوم و خسارت دیده عراق روسفید کردند.

در آخرین روزهای فروردین پای صحبت این فرمانده شجاع که از او به عنوان "پدر جبهه‌ها" یاد می‌شود و ساعتی است که از عملیات موفقیت آمیز ارتفاعات "حمیران" بازگشته، می‌نشستیم و از او می‌خواستیم که درباره بسیج، فرهنگ بسیجی و همچنین چگونگی تشکیل بسیج دائمی در عراق و مشکلات در پیش رو به سوالات خبرنگار اعزامی کیهان به استان صلاح‌الدین پاسخ دهد.

*** همه فرماندهان عملیات چند روز گذشته «حمرین» را سخت‌ترین عملیات می‌دانند، شما هم همین را می‌گویید، در حالی که به اذعان خودتان، تعداد دشمن داعشی در این ارتفاعات به ۱۵۰ هم نمی‌رسید. چرا با این همه تجهیزات و نیرو نمی‌توانستید این تروریست‌ها را از بین ببرید؟**

– ارتفاعات حمرین از موقعیت استراتژیک بسیار بالایی برخوردار است و داعش تا این اواخر به اهمیت آن واقف نبود. حمرین اولا در ارتفاع قرار دارد و از آن بالا می‌توان هر جنبنده‌ای را زیر نظر داشت ودوم اینکه با یک حرکت نظامی کوچک مثلا با یک قناسه زن حرفه‌ای یا با یک عملیات انتحاری می‌توان کلیه تجهیزات نظامی را کنترل یا بطور کلی متوقف کرد. تا همین ایام عید این ارتفاعات دست ما بود، خیلی راحت به دست آورده بودیم اما متاسفانه وقتی دشمن به اهمیت آن پی برد، به همان راحتی از دستمان گرفت.

*** یعنی چه؟ راحت از دست دادید؟!**

– ما راحت از دست ندادیم، آنها راحت از دست ما گرفتند. داعش وقتی به اهمیت منطقه پی برد بایک تک قوی، اما غیرکلاسیک و در نهایت با به حرکت در آوردن چند ماشین انتحاری، به طرف خطوطمان نزدیک شد و ما مجبور به عقب نشینی شدیم. نه تنها ارتفاعات بلکه بخشی از منطقه را هم واگذار کردیم. حالا که می‌خواستیم دوباره پس بگیریم، با مشکلات بسیار عدیده‌ای مواجه شدیم. علت اصلی هم استقرار استحکامات قوی و علت دیگر، تغییر رویکرد جنگی داعش از جنگ کلاسیک به جنگ نامنظم و استفاده از قناسه زن‌های حرفه‌ای بود.

*** چطور دوباره پس گرفتید؟**

همانطور که در نقشه می‌بینید، منطقه کاملا کوهستانی و با شیارهای عمیق و فراوان است، با صدها تپه بلند و کوتاه، که هر کدام ۲۵ تا ۱۰۰ متر از یکدیگر فاصله دارند. این یعنی اینکه هر داعشی می‌تواند از داخل این شیارها و بالای این تپه‌ها ده‌ها نفر از نیروهای مارا بدون آنکه متوجه شویم از چه سمتی مورد هدف قرار می‌گیریم شهید و یا حتی اسیر کنند. در تعاریف نظامی هم آمده است در جنگ‌های کوهستانی ارتفاعات دست هر طرف باشد برگ برنده هم در اختیار اوست، ولی بالاخره همانطور که ۲۱ فروردین پس از چند روز کار شناسایی و مشورت‌های نظامی و با پشت سر گذاشتن مشکلات فراوان، دوباره ارتفاعات حمیران به دستمان افتاد که امیدواریم هر چه زودتر تثبیت شود، چون داعش دست‌بردار نیست و با وارد کردن نیروهای جدید قصد پس گرفتن چند باره مناطق از دست داده را دارد. مثلا همین امروز شنیدم که داعش ۳۰۰ تروریست فقط از سوریه وارد منطقه کرده و ۷۰ نفر را هم ازمیان سنی‌های افراطی و حزب بعث همین منطقه تامین کرده است و قصد دارد به هر قیمتی شده مواضع از دست داده را پس بگیرد.

*** مگر دشمن تمام راه‌ها را مین گذاری نکرده بود، پس چطور خودتان را به آن بالا رساندید؟**

از جلو با تحرکات نظامی اعم از توپخانه و نیروهای زمینی سرگرمشان کردیم و ازپشت ارتفاعات، با باز کردن معبر در چندین محور به بالای سرشان رسیدیم. پیشروی‌ها از دو طرف انجام شد تا اینکه به هم رسیدیم، البته با وارد کردن خسارات فراوان به طوری که عده زیادی از آنها کشته شدند و عده‌ای هم فرار کردند. اگر بتوانیم دو کیلو متر دیگر پیش برویم و چهار راه منتهی به کرکوک را آزاد کنیم دشمن دیگر توان بالا آمدن از ارتفاعات را نخواهد داشت. در واقع، از ۱۵۰ کیلومترطول ارتفاعات حمیران، فقط ۲۰ کیلومتر از بخش مهم و استراتژیک آن را در اختیار داریم.

*** به نظر می‌رسد باتغییرو رویکرد نظامی دشمن از کلاسیک به پارتیزانی وجنگ نامنظم، شما هم باید با به کار گرفتن نیروهای زبده چریکی، به دنبال شکار یک به یک داعشی‌ها در داخل شیارها و بالای تپه باشید. فکر نمی‌کنید در این شرایط، پیشروی به صورت کلاسیک را باید تعطیل کرد؟**

– در این عملیات تقریبا همین کار را کردیم. در چند روز گذشته دو بار به صورت کلاسیک والبته آزمایشی عمل کردیم اما دیدیم جواب نمی‌دهد. لذا این بار از پشت ارتفاعات و از چند جا معبر باز کردیم و از داخل شیارها خودمان را بالا کشیدیم تا توانستیم بدون تلفات‌خودمان را به ۱۰۰ متری نیروهای داعش برسانیم، امیدواریم به رغم تلاش‌های جدی دشمن برای بازسازی و سازماندهی مجدد خود، بتوانیم فتوحات خود را تثبیت کنیم.

*** شرایط فعلی نشان می‌دهد که جنگ با داعش در کشورهای منطقه و به ویژه عراق، طولانی‌تر از انتظار خواهد بود و هدف اصلی آمریکا از تاسیس داعش و دیگر گروه‌های تروریستی سرگرم کردن ملت‌های منطقه به جنگ و خون ریزی است. فقط این نام گروه‌ها ست که تغییر می‌کند والا ماهیت قضیه یکی و هدف هم یکی است، یک روز با نام طالبان، روز دیگر با نام القاعده و امروز با نام داعش ولی همه یک نقش را دارند شما بالاخره تا کی می‌خواهید بجنگید؟**

*** خیلی از مدیران ادارات دولتی عراق خودشان را به جبهه‌ها رسانده و داوطلبانه می‌جنگند. خیلی از افسران هم این‌گونه عمل می‌کنند. اما این را هم اذعان می‌کنم هیچ کدام که به پای بسیجیان ایران نمی‌رسند.**

***

بله، انتهای این جنگ قطعا پیروزی حق علیه باطل است. اینکه باید از خودمان، ناموسمان واعتقاداتمان دفاع کنیم شکی در آن نیست و طبیعی است که حداقل کاری که باید بکنیم بیرون راندن دشمن از کشورمان و بازسازی مجدد آن است. اینکه جنگ چقدر طول خواهد کشید بستگی به شرایط دارد که امیدواریم به نفع ما باشد.

*** هرچه جنگ طولانی شود، تقلیل نیرو را به همراه دارد و شاید شرایط به جایی برسد که پرداخت حقوق به نیروها هم پاسخگو نباشد، مگر آنکه فرهنگ بسیجی را در میان نیروها وجوانان جامعه تان جاری کنید، برای این منظورچه کرده اید؟.**

– ولی ما در حال حاضرمشکل نیرو نداریم، حتی بیشتر از نیاز، نیروهای داوطلب وجود دارد و اتفاقا مشکل ما کمبود بودجه برای پرداخت حقوق داوطلبان است .والا با فتوایی که آیت لله سیستانی صادر کردند و حقوقی که به داوطلبان داده می‌شود مشکلی در خصوص جذب نیرو نداریم.

*** انصافا این فرمایش امام خمینی(ره) که دفاع مقدس در کنار خسارت‌های جانی و مالی فراوان برکات فراوانی هم داشته که یکی از آنها ساخته شدن جوانانمان بود، وصف‌الحال فعلی ماست.**

***

*** ولی بالاخره باید به فکر آینده هم بود، به فکر زمانی که بودجه برای پرداخت حقوق کافی به نیروها نداشته باشید یا نیرو انگیزه‌ای برای جنگیدن فی سبیل الله نداشته باشد، فکر می‌کنید آن موقع هم فتوا مثل الآن موثر خواهد بود؟ نمی‌شود که جنگ را ادامه نداد یا به وقفه انداخت، سوال مشخص من این است که در مورد ترویج فرهنگ بسیجی درمیان نیروهای سپاه «بدر» به ویژه نیروهای مردمی چه کرده اید یا چه می‌خواهید بکنید؟**

– زمینه چنین فرهنگی قطعا تا حدودی در میان بسیجیان ما وجود دارد که آنها را با یک فتوا به اینجا کشانده و نمی‌توان گفت، اصلا وجود ندارد، مثلا خیلی از مدیران ادارات دولتی هم خودشان را به جبهه‌ها رسانده و داوطلبانه می‌جنگند. خیلی از افسران هم اینگونه عمل می‌کنند. اما این را هم اذعان می‌کنم که به پای بسیجیان شما نمی‌رسند وما باید بیشتر تلاش کنیم. اگرچه شاهد گسترش و توسعه تدریجی این فرهنگ در میان مردم به ویژه جوانان هستیم.

*** از چه طریقی؟**

– توسط مبلغین، محور اصلی ما فتوای مرجعیت یعنی حضرت آیت‌الله سیستانی در جهت ایجاد انگیزه برای ادامه مبارزه با باطل در میان مردم است.

*** جنگ را تا چه زمانی می‌خواهید ادامه بدهید؟**

–تا زمانی که داعش از بین برود.

*** داعشی که سرزمین هایتان را اشغال کرده است ؟**

– داعشی که کل جهان اسلام را به چالش کشانده و مسلمین را به زحمت انداخته است.

***یعنی می‌توان داعش را از بین برد؟**

– بله

*** فکر می‌کنید آمریکا با توجه به شعارهایی که در مخالفت با تروریسم می‌دهد، موافق از بین رفتن داعش است؟.**

– اگر همه مسلمین با هم باشند، می‌توان داعش وحتی ایجاد کنندگان و حامیان آن را هم از بین برد.

*** اگر آمریکا با حدف داعش مخالفت کند، می‌خواهید تجربه حضور منافقین در کشورتان را دوباره تکرار کنید وتداوم حضور داعش در کشورتان را با آن همه جنایت‌ها وخیانت‌ها تحمل کنید؟**

–مشکل عراق در رابطه بامنافقین خیلی پیچیده‌تر از داعش بود؛ بنده هم مثل شیخ المجاهدین «هادی عامری» معتقدم که آمریکا عزم جدی برای از بین بردن داعش ندارد و در واقع با این نوع ادعاها و رجزخوانی‌ها علیه داعش، برای ما وکل جهان فیلم بازی می‌کند. حتی کشورهای عربی هم نمی‌خواهند شیعیان بر سرنوشت خودشان مسلط شوند. همه باید دست به دست هم بدهیم و کار را یک سره کنیم. ما در عراق و مدافعین حرم حضرت زینب هم در سوریه و ایران و حزب الله لبنان هم پشتیبانی همه جانبه بکنند.

*** چرا بسیج مردمی را در عراق دائمی نمی‌کنید؟**

– این یکی از همان پیچیدگی هاست. کشورهای مرتجع عربی و متاسفانه (برخی از)سنی‌های افراطی وطنی خودمان همین نیروهای مردمی را که با داعش در حال جنگ هستند، به عنوان بسیج ایران اسلامی معرفی می‌کنند واینگونه تبلیغ می‌کنند که سپاه بدر می‌خواهد کل کشور عراق را تحت کنترل ایران در آورد. به همین خاطر، سنی‌هایی که تحت تاثیر این تبلیغات مسموم قرار گرفته‌اند برخی عناصر جاهل یا خود فروخته در منطقه می‌گویند؛ نمی‌خواهیم تحت کنترل نیروهایی باشیم که پشت سرش جمهوری اسلامی است.

*** بنده هم مثل شیخ المجاهدین «هادی عامری» معتقدم که آمریکا قصد از بین بردن داعش را ندارد و در واقع با این نوع ادعاها و رجزخوانی‌ها علیه داعش، برای ما وکل جهان فیلم بازی می‌کند.**

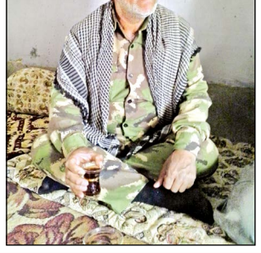

درهمین آزادسازی تکریت که کلا سنی نشین است با همین مشکل رو به رو بودیم. تکریتی‌ها در ابتدا اصرار داشتند که خودشان باید استانشان را آزاد کنند، ولی چون از ارتباطات برخی از تکریتی‌ها با داعش اطلاع کامل داشتیم و می‌دانستیم امکان پذیر نیست، به شدت مخالفت کردیم. ما با این اوصاف وارد عمل شدیم وتکریت را آزاد کردیم. بسیاری از سنی‌ها خوشحال شدند و الان برخی از آنها در سپاه بدر در کنارنیروهای شیعی برای آزادسازی بقیه استان‌های سنی نشین می‌جنگند.

– من‌قبول دارم که شرایط عراق برای ایجاد فرهنگ بسیجی به آن معنایی که ما در ایران اجرا کرده ایم ودر طول هشت سال دفاع مقدس به آن مقید بودیم، بسیار سخت‌تر و مشکل‌تر است ولی ...

– شاهد هستید که در میان رزمنده‌ها تعداد زیادی سنی وجود دارند و شیعه و سنی در کنار هم با دشمن داعشی می‌جنگند. البته شما این موضوع را فقط در» سپاه بدر» می‌بینید. ولی فرهنگ مدیریتی بدر که نشات گرفته از اعتقادات اسلام ناب محمدی و منویات حضرت امام خمینی و امام خامنه‌ای که سرشار از رافت اسلامی است باعث شده تا سنی‌ها هم جذب سپاه بدر شوند، برخی از اهالی استان‌های سنی‌نشین آزاد شده از جمله تکریت به جای اینکه از سپاه بدر قدردانی کنند، ما را به خاطر این آزاد سازی، اشغالگر هم می‌دانستند، البته برخی از اینها با مشاهده مستندات متوجه بسیاری از واقعیت‌ها شده اند و همان‌طور که می‌بینید در حال باز گشت به خانه و زمین‌های زراعی‌شان هستند .

*** به نظر می‌رسد دولت هم می تواند در رسمیت دادن به تشکیلات بسیج و ترویج فرهنگ بسیجی در میان مردم به ویژه جوانان پیشقدم شود آیا در این رابطه کار پژوهشی صورت گرفته است؟.**

– پیشنهادها وطرح‌هایی را در دست بررسی داریم و دولت را هم در مورد ضرورت آن در جریان گذاشته ایم. پیشنهاد ما به دولت تشکیل یک بسیج دائمی ورسمی با وظیفه برقراری امنیت در محلات است تا شیعه و سنی با حفظ اعتقاداتشان در کنار هم در امنیت کامل زندگی کنند. البته در این رابطه صحبت‌های اولیه‌ای با سران و معتمدین استان‌های سنی‌نشین صورت گرفته و نتایج مثبتی هم حاصل شده که اولین نشانه آن بازگشت تدریجی خانواده‌ها به خانه‌ها و زمین‌های کشاورزی شان است.

نخست وزیر هم به این موضوع توجه جدی دارد و بارها در دولت و مجلس تاکید کرده که اگر نبود بسیج مردمی وفتوای ایت الله سیستانی، داعش قطعا تا بغداد آمده بود، اما از آن طرف هم فشارهای جدی بر نخست وزیر هستیم، به ویژه از سوی آمریکا وبرخی از داخلی‌ها تا از حمایت‌های خود از تشکیل بسیج مردمی با وجود ارتش کوتاه بیاید. در حالی که با تشکیل بسیج در همین حد، همه چیز عوض شده و پشت سرهم پیروزی به دست آورده ایم. این حرکت حتی تاثیرات بیرونی داشته است به طوری که تا پیش از این قرار بود «بشار اسد» برود ولی با فتوای آیت‌الله سیستانی همه ورق‌ها برگشت.یا مثلا قبل از این فتوا و به حرکت در آمدن نیروهای مردمی به سوی جبهه‌ها جنگ ما با داعش در داخل شهرها بود ولی امروز می‌بینید که با همین جوانان از جان گذشته جنگ را به بالای کوه‌ها و ارتفاعات کشانده ایم، بنابراین در مورد تشکیل بسیج دائمی هم ورود مرجعیت ضرورت دارد ونباید گذاشت تمامی فشارها بر روی نخست وزیر باشد.

جمهوری اسلامی ایران هم که پرچمداری این نهضت را بر عهده دارد از منظر بین‌المللی در تشکیل بسیج کمک کند حتی با اهدای امکانات، نخست وزیر مارا تنها نگذارد. ایران باید این را به قطع و یقین بداند که وجود بسیج موثرترین نیرو در منطقه است.

*** در خصوص امور فرهنگی و تقویت پایه‌های دینی جوانان به خصوص رزمندگان چطور؟**

بدیهی است که فتوای مرجعیت شامل همه اقشار جامعه می‌شود و البته برای خواص در مرتبه اولی باید مهم باشد که طلاب علوم دینی یکی از آنهاست.برای طلاب علوم دینی چه جایی بهتر از جبهه‌ها برای نشر اعتقادات اصیل وصحیح اسلامی. اینجا بهترین فضاست. در این فضای کاملا خلوت و به دور از آلودگی‌های ضد ارزشی شهرها می‌توان به ساختن و رشد اعتقادی جوانان و نجات آنها از مهلکه‌های ضد اخلاقی وهجمه‌های فرهنگی پرداخت. اگر ما این کار را امروزنکنیم، قطعا دشمن با پول و تبلیغات رسانه‌ای که در اختیار دارد خیلی راحت تبدیلشان می‌کند به داعش!. انصافا این فرمایش امام خمینی که می‌فرمودند ؛ دفاع مقدس در کنار خسارت‌های جانی و مالی فراوان برکات فراوانی هم داشته که یکی از آنها ساخته شدن جوانانمان بود وصف حال فعلی ماست. باید پذیرفت که در خیابان‌های بغداد و درکنار شبکه‌های ماهواره‌ای در شرایط فعلی نمی‌توانیم جوانانمان را بسازیم، بنابراین حضورجدی روحانیت در این جهاد با توجه به فتوای آیت‌الله سیستانی نقش بزرگی را می‌تواند در پیروزی‌های آینده داشته باشد.

*** پیشنهاد ما به دولت تشکیل یک بسیج دایمی ورسمی با وظیفه برقراری امنیت در محلات است تا شیعه و سنی با حفظ اعتقاداتشان در کنار هم در امنیت کامل زندگی کنند.**

***

مصاحبه کننده: رحیم چوخاچی زاده مقدم